

بیگانه

نویسنده: آلبر کامو

مترجم: حلیمه بیانی



سرشناسه: کامو، آلبر، ۱۹۱۳ - ۱۹۶۰ م.

Camus, Albert

عنوان و نام پدیدآور: بیگانه/ نویسنده آلبر کامو؛ ترجمه حلیمه بیع آتی

مشخصات نشر: تهران: نوای مکتوب، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص؛ ۱۴×۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۶۷-۴-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

داشت: عنوان اصلی: L'etranger

صوم: داستان‌های فرانسه — قرن ۲۰ م.

موضوع: ۲۰th century — French fiction

سناسه افزوده: بیع آتی، حلیمه، ۱۳۶۷ — مترجم

رده‌بندی کتابخانه: الف ۱۳۰ ب ۸۳/الف PQ2۶۳۴

رده‌بندی دبی: ۸۱۰۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۸۱۰۳

نام کتاب: بیگانه

نویسنده: آلبر کامو

مترجم: حلیمه بیع آتی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۶۷-۴-۴

طراح جلد: پیمانہ صفایی تهرانی

ناظر فنی: سید محمد بنی هاشمی خامنه



کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۹۴۱۵

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

سخن خواجه

آلبر کامو (Alber Camu) در ۱۹۱۳ در الجزایر از پدری فرانسوی و مادری اسپانیایی دیده به جهان گشود. او از کودکی طعم فقر را در الجزایر چشید و به سختی به تحصیلات خود ادامه داد و در سال ۱۹۶۰ در سانحه تصادفی جان سپرد و در گورستانی در موب فرانسه به خاک سپرده شد. کامو از دل فقر سر بر آورد و نویسنده، فیلسوف، روزنامه‌نگار و نمایشنامه‌نویسی شد که شهرت جهانی یافت. خود او در مورد سرنوشت این چنین می‌گوید: «آزادی را من در آثار مارکس نیاموختم، بلکه خود آن را در دل فقر شناختم.» بیشتر آثار او ریشه در فقر دوران کودکی و درسی که از آن گرفته بردارد. یکی از آثار مشهور او بیگانه است. کامو بیگانه را در عصر تغییر و تحولات سیاسی - فرهنگی الجزایری نگاشت که مستعمره فرانسه بود.

در این اثر قابل تعمق، کامو بر جبر جهان و محکومیت فواید عصری که تعیین کننده وجود و یا عدم وجود انسان در پهنه گیتی هستند اصرار می‌وردد. برخلاف عقیده نویسنده که خود را پیرو هیچ مکتب و فلسفه‌ای نمی‌دانست، بیگانه در میان اندیشمندان با چنین مضمونی به همراه آثار دیگری از کامو (سزیف و کالیگولا و ...) در زمره آثار اگزیستانسیالیستی (Existentialism) به شمار می‌رود.

مورسو (قهرمان داستان) در دنیای درون خود زندگی می‌کند و در آن دنیا

خبری از هنجار و ناهنجار نیست. او انسانی لاییک است و در این دنیا غایتی برای خود نمی بیند و دنیا با تمام زشتی ها و زیبایی هایش برای او بی معناست. او در جامعه همچون عضوی منفعل زندگی می کند.

داستان به دو بخش تقسیم شده است در بخش اول بر خلاف عموم جامعه مورسو، بعد از خاکسپاری مادرش به دنبال عیاشی می رود و به دلیل "تابش آفتاب" مرتکب قتل می شود و در بخش دوم در جلسه دادگاه انسان هایی که از جنس او هستند و وجه اشتراکات انسانی را با او دارند در عدم هستی او به قضاوت می نمایند. و او را تنها به دلیل شکستن هنجارهای متعارف اجتماعی و نه به دلیل قتل انسانی، محکوم به مرگ می دانند. از نظر مورسو انسان در هیچ یک از اشیاء، افراد، پیرامونش نقشی ندارد. در واقع او معتقد است که آدمی بیهوده زیست می کند. بیهوده رهسپار خاک می شود. او انسان بی تفاوتی است و در دنیای درون سیر می کند. آنجا که می گوید: «اگر مرا وادار به زندگی در تنه درختی می کردند نه تنها ای ترستم به آسمان بالای سرم زل بزنم، بی شک به آن زندگی هم خو می گرفتم». بر این اصل معتقد است که انسان تنها بر حسب عادت معیشت می کند. مورسو در سیر داستان رنگ نمی بازد و شخصیت استاتیکی است که بصورت تام و با وضوح بیچ گونه نتیجه گیری فکری و احساسی داستان را روایت می کند. در واقع هیچ حس و احساسی را بر خواننده خویش تحمیل نمی کند.

در واخوانی شخصیت اصلی داستان، خواننده دچار احساس عجیبی می شود؛ مورسو نه متکبر است نه متواضع، نه شاد است و نه غمگین، نه شرور است نه وارسته، نه شخصیتی اخلاقی است و نه ضد اخلاقی. او تنها در لحظه زندگی می کند و بدون برگشت به گذشته و پیش بینی آینده و بی آنکه در جستجوی هدفی باشد تنها از هوای تابستان، درختان، صدای گنجشکان، آسمان، خنده ماری... لذت می برد. از دیدگاه منتقدین خواستگاه بروز چنین قهرمانی، تحولات حاکم بر جامعه آن زمان (الجزایر در دهه ۱۹۳۰) بوده است. در واقع می توان گفت مورسو زبان فکر و احساس کامو است.

برای آن که ذهن خواننده عزیز را برای لذت بردن بیشتر از این اثر تأمل برانگیز آماده سازم به آنچه که کامو در مقدمه بخش دوم داستان می آورد بسنده می کنم: «دیرگاهی است که من رمان بیگانه را در یک جمله که گمان نمی کنم زیاد خلاف عرف باشد، خلاصه کرده ام: «در جامعه‌ی ما هر کس که در تدفین مادر نگیرد، خطر اعدام تهدیدش می کند.» منظور این است که فقط بگویم قهرمان داستان از آن رو محکوم به اعدام شد که در بازی معهود مشارکت نداشت. در این معنی از جامعه خود بیگانه است و از متن برکنار؛ در پیرامون زندگی شخص، تنها و در جستجوی لذت‌های تن سرگردان. از این رو خوانندگان او را خودباخته‌ان یافتن دستخوش امواج.»

حلیمه بیع آتی
۱۳۹۵